

متن پرسش

سلام بر استاد عزیز: من دانشجوی اصفهانی دانشگاه شریف هستم که بنا بر دغدغه‌ای که داشته‌ام مزاحم استادم برای مشورت گیری شده‌ام. مسئله این است که بنده بحمدالله چند سال پیش که با بحث‌ها و کتب جناب عالی آشنا شدم نمی‌گویم همان مواقع و در شروع کار ولی به تدریج احساس کردم به لطف خدا درچه‌های مهمی از معارف به قلب و زندگی‌ام باز شد. آرام آرام احساس خلأ نسبی بحث‌های معرفتی به نگاه حضوری و وجودی‌ای که شما به آن‌ها دارید، را در جو عمومی مذهبیون احساس کردم و این احساس موقعی شدید شد که وارد دانشگاه شدم و متوجه شدم فارغ از جماعتی که انقطاع از دین را افتخار خود می‌دانند، جماعت مذهبی و حزب‌اللهی و بسیجی و جوان‌جامعه هم به صورت عمومی انگار چنین رجوع حضوری به دین در حالت کلی ندارند. و این خلأیی بوده که فکر می‌کنم همین باعث شده که بنده آن‌طور که باید نتوانم با دوستان بسیجی و حزب‌اللهی اطراف خودم ارتباط برقرار کنم و بسیج دانشگاه را به منزله‌ی بچه‌ای تصور کنم که دوستش دارم اما ندانم چرا این بچه را وقتی بغل می‌کنم انگار لگد می‌زند و انگار تمایل دارد بعضی مواقع جوان‌بازی خود را ادامه دهد. (البته این هم بگویم که خدا را شاکر باید بود که بسیج این دانشگاه که بعداً نقش مهمی در تحویل مدیران سطح کلان مملکتی به جامعه دارد، انصافاً بسیج فعال و پیگیر و جریان‌سازی است ولی خوب، این خلأها که وجود دارد به نظرم کار را برای آینده و عبور از موانع سخت می‌کند و به صرف کار زیاد نمی‌توان دلخوش بود) این خلأیی که عرض کردم و عدم رجوع حضوری و کاربردی و وجودی به دین، در حالت کلی فکر می‌کنم گریبان‌گیر کل جامعه‌ی ماست و همین موضوع است که به ما اجازه نداده دین‌داری و انقلابمان برایمان کار بدهد و امر امام‌زمان در جامعه محجور بماند و ما را به سمتی پیش برده که دلمان خوش باشد ما هم متدینیم. احساسم این است تنها راهی که پیش روی ماست برای نجات جامعه و منحرف‌نشدن مسیر انقلاب، بازگشت به همین عهد حضوری با دین است. نمی‌دانم چه بگویم؟ ولی شاید کتب عمده‌ی معارف اسلامی ما چنین سیر و سلوکی را جلوی مخاطبینشان نگذارند. من البته همه کتب اساتید بزرگ را که نخوانده‌ام ولی فکر می‌کنم بین حتی علمای اسلام هم در این مسئله انگار تفاوت وجود دارد. دانشگاه شریف با توجه به نقش مهمی که در راستای آینده کشور دارد اگر از این رجوع تهی باشد، بعید می‌دانم به زمان ظهور بتوانیم خیلی نزدیک بشویم، چرا که به نظر می‌آید جو عمومی مدیران فعلی مملکتی هم که بسیاری ایراد و اشکال به فکر و نوع نگاه و عملکردشان وارد می‌دانیم، در گذشته که خوب لا مذهب نبوده‌اند! اتفاقاً انقلاب کردند، فعالیت کردند، احتمالاً بی‌خوابی کشیده‌اند و ... من نمی‌گویم این‌ها هیچ نبوده‌است بلکه اتفاقاً

فعالیت برای انقلاب خودش یک سلوک است (نگاهی که بسیج الان هم دارد و ظاهراً آن را کافی هم می‌داند) اما عدم رجوع حضوری و لحظه به لحظه به دین و امر امام زمان در سلوک شخصی و معرفت نفسشان، باعث می‌شود که گاهی از انقلاب و دین و ... خواه یا ناخواه (روی این ناخواه هم تأکید دارم. چون ممکن است کسی در دلش مرض نداشته باشد اما سیری هم نداشته باشد و همین موقعی او را از امر امام معصوم جدا کند و در دل مشهورات جامعه بیندازد) دکان بسازند، حالا هر منصبی هم که می‌خواهند داشته باشند. و همین دکان سازی‌ها و مصلحت‌اندیشی‌ها انقلاب ما را به این وضع دچار کرده! این کجا و آن کجا که همان طور که امام خمینی با سلوکی که داشتند بستری شدند که امر امام زمان از طریق ایشان به جامعه برسد، فرد فرد مسئولان کلان ממکتلی (لااقل تعداد خوبیشان، نه اقلیتشان) چنین باب‌هایی برای اراده‌ی الهی در زمین به خواست امام‌حی و حاضر بشوند. و این مسئله‌ی خوب، هم فکر و شناخت درست از عالم می‌طلبد و هم کار و مجاهده‌ی شخصی و اجتماعی با همان نگاه حضوری که عرض کردم نه نگاه حصولی که پس از مدتی انسان را خسته و دل‌زده از طی طریق می‌کند. الغرض، چون که بنده خدا را شکر مباحث شما را در همین راستا یافتم و اینکه مباحث بعضاً بزرگ توحیدی از علمای مختلف مثل امام خمینی یا علامه طباطبایی یا آیت‌الله جوادی یا ... فکر می‌کنم در دستگاهی که شما به آن نظر دارید خوب می‌شود شیرین و عامه‌پسند به جامعه ارائه شود، می‌خواستم در خواست کنم با نظر خود شما تلاشی بکنیم که ان شاءالله باب این طور بحث‌ها (که متأسفانه فکر کنم کمی غریب واقع شده. حالا شاید در اصفهان بیشتر کار شده باشد اما فکر می‌کنم واقعاً شهرهای دیگر پتانسیلش را دارد) در دانشگاه باز بشود و شما اگر از شاگردان خصوصی خودتان کسی را سراغ دارید که هم صبر و حوصله‌ی سر و کله‌زدن با جماعت‌های مختلف دانشجو (تیپ‌های مختلف) را داشته باشد (با توجه به صبر و حوصله‌ای که مطالب حضوری شما هم می‌طلبد) هم قدرت انتقال مطالب حضوری و دلی را مثل خودتان داشته باشد هم بتواند وقت بگذارد (شاید یک روز در هفته برای جلسه یا ... نمی‌دانم!) در تهران (خودشان تهران باشند یا اینکه رفت و آمد کنند) ممنون می‌شوم اگر پیشنهاد و هماهنگ کنید. البته خود استاد صاحب نظر هستند اما به نظر می‌آید اگر شخصی که مطالب را ارائه می‌دهد کسوت لازم را در ظاهر نداشته باشد، در رابطه با اعتماد کردن افراد به ایشان و پیگیر شدن بحث‌ها دچار مشکل می‌شویم و ممکن است آخرش به جلسات خصوصی منجر شود. حتی بعضی (یا بسیاری) از مذهبیبون هم به راحتی نمی‌توانند به کسی که کسوت لازم را ندارد اعتماد کنند و سیر خودشان را بر مبنای راه او تنظیم کنند. امید به اینکه جای خالی آزاداندیشی و دوره‌های معرفت‌دینی در دانشگاه‌های ما پر شود و ان شاءالله شیطان روشنفکری که در اوایل ورود دانشجویان به دانشگاه بسیار به دست و پای آن‌ها می‌پیچد تا اینکه بی‌قید و فکرشان کند و کشور را بی‌آینده، آرام آرام به لطف و مدد الهی از بین برود. ممنون از استاد عزیز.

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نکته‌ی مهمی توجه نموده‌اید و حقیقتاً برای عبور از مفهوم به حقیقت و از ماهیت به وجود، باید بیش از آن که فکر شده است فکر کرد به‌خصوص که روح تشیع سراسر روح رجوع به حقیقت است. فکر می‌کنم با رجوع به حضرت امام و آثار ایشان بازخوانی لازم صورت گیرد و به همین جهت حضرت امام تفسیر سوره‌ی حمد را رسانه‌ای کردند. می‌ماند که آرام آرام متذکر شویم رفقای انقلابی اگر بخواهند به نتیجه‌ی لازم برسند و انقلاب را در بنیادی‌ترین نحوه‌ی حضور تاریخی‌اش بنگرند؛ باید خود را به نگاه وجودی که در آثار حضرت امام هست، منور کنند. در این رابطه بود که مقاله‌ی «انقلاب اسلامی، عبور از تمایز سوژه و اُبژه» در انتقاد به آقای دکتر عبدالکریمی نوشته شد تا معلوم شود چگونه باید به انقلاب نظر شود تا بتوانیم جواب اشکالاتی که امثال آقای عبدالکریمی پیش می‌آورند را داده باشیم. می‌ماند آیا کسانی هستند که به تهران بیایند و در این رابطه کمک کنند، إن شاء الله پیش خواهد آمد. موفق باشید